

میخ‌خط

فصلنامه داخلی دبیرستان فرزانگان ۴
زمستان ۱۴۰۳ - شماره ۳۸ - سال نهم



بسم الله الرحمن الرحيم

فصلنامه داخلی دبیرستان فرزانگان ۴ - شماره ۳۸

مدیر مسئول

اعظم پشمینه

مدیر اجرایی

سمیه خدابنده لو

سر دبیر و طراح

بهاره سادات شاه ولایتی

هیئت تحریریه

سالومه حیدرپور . فاطمه مرآتی

همراهان این شماره

دبیران و همکاران : حمیده نوح پیشه . محدثه سادات موسوی . راضیه

حیدری . نسرین رضوانی فر . زهرا رهبری

دانش آموزان: کوثر شهرباف . درسا محسنی . هانا احمدی . فاطمه گرداد

. نیکا برجی . سها قندهاری . گلنار اوپسی . ملیکا غزنوی . زهرا نوری . آیتک

آلسا . فاطمه قربانی

نشانی : تهران . خیابان تهران نو . خیابان خاقانی . کوی زینبیه

تلفن : ۷۷۱۷۱۱۲۲ - ۷۷۱۷۱۱۳۳ - ۷۷۱۷۱۳۱۳

آدرس سایت : www.farzanegane4.ir

ایمیل فرزانگان ۴ : farzanegan4.sampad@gmail.com

ایمیل نشریه فرزانگان ۴ : miankhat.frz4@gmail.com

فکس : ۷۷۱۷۱۳۱۴

به نام خدا

زمستان می‌آید تا نوبت خزان را به گلباران قدوم مبارک بهار
هدیه کند؛

زمستان می‌آید تا با سرد شدن زمین، آسمان دل‌ها را درشب
بلند یلدا گرم کند و گرد و خاک از روی خاطرات برداشته و فاصله
ها و فصل‌ها را به وصل برساند.

ننه سرما در صندوق گنجینه اش را باز می‌کند تا با نقل برفی،
میزبان مهمانان یلدایی شود.

باد لالایی سوزناک سر می‌دهد و درختان لباس خواب سپیدبرفی
به تن کرده و با رویای سبز بهار به خواب زمستانی می‌روند؛
رویایی که تک تک نقاط سفید برف را فدای رویش شکوفه‌های
رنگارنگ بهاری کرده و قناری و قمری را به وجد و ترانه سرایی
در می‌آورد.

آری زمستان پیام‌آور روزگار سرسبزی و نسیم مهر بهاری به
دل‌های یخ زده است؛ بهاری که در آن دست‌ها به شکرانه قدوم
مبارک صاحب زمان (عج) همچون شاخه‌های درخت رو به
آسمان کشیده می‌شود.

■ کوثر شهرباف

آنچه در لا به لای این خطوط خواهیم دید

۶

خط پررنگ

هدفش یاد آوری خط پررنگ زندگیمان است؛ چیزی از جنس نیایش. خط مهربان خدا که اگر گمش نکنیم راه را می یابیم.

۸

سرخط

چیزی است شبیه سرمقاله، می خواهد بگوید که چرا اینجاایم... حرف هایی که سعی می کنند از دل برآیند تا بر دل های تان بنشینند.

۹

خط خطی

اینجا مشق نوشتن است. تلاش های واقعی و صادقانه برای گفتن حرف های دلمان از مجرای کاغذ و قلم.

۱۴

دست خط

این جا، جای آن هایی است که حرف های دلشان را از مرجع هنر گذرانده اند و چاشنی ادب به آن افزوده اند.

۲۰

خط مشاور

کسانی هستند که در میانه راه زندگی، دستمان را می گیرند، قلب هایمان را خط می زنند و راه بهتر پیمودن مسیر را نشانمان می دهند.

۲۳

پاره خط

اینجا پرشی است به دنیای علم، گذری است کوتاه به دستاورد علمی یکی از اعضای این خانواده، برای آنکه از هم بیاموزیم.

۲۶

خط روی خط

تابه حال صاحب خانه ای را که برای اولین بار میهمان دارد دیده اید؟! دوست دارد همه جای خانه اش را به همه نشان بدهد. ما هم با خط روی خط، خانه عزیزمان را به همه نشان می دهیم با عینک بچه های مسئولین.

۲۸

خط چین

جای خالی را همیشه باید با گزینه ی مناسب پر کرد. چه در امتحان و چه در مجله ی میان خط. خط چین جای خالی ماست که با حرفی از جنس مسائل روز جهان، آن را پیگیری می کنیم تا از ما انسان هایی مطلع بسازد.

۳۱

روی خط

همیشه در برنامه های ملی تلویزیون یک نفر روی خط می آید که همه دوست دارند حرف هایش را بشنوند ما هم این جا، جایی گذاشته ایم برای روی خط آمدن کسانی که حرف هایشان برایمان شنیدنی است.

۳۴

خط ویژه

خط ویژه همان جایی است که حرکت در آن سریع و بی توقف است. مسیری برای کارهایی بزرگ، اتفاق هایی که نظم زندگی روزمره مان را به هم بزند و کمی دنیایمان را بالا و پایین کند.

۳۵

خط برتر

بعضی ها دوست دارند جایشان روی خط بالا و بالاتر برود. این رفتن راهی دارد. ما فکر کردیم می توانیم با نشان دادن خط بالاتر این راه را برای همه دست یافتنی کنیم.

بسم رب الشهدا والصديقين

اینجانب ناصرالدین باغانی بنده ی حقیر در درگاه خداوندم. چند جمله ای را به رسم وصیت می نگارم. سخنم را درباره ی عشق آغاز می کنم. ما را به جرم عشق موأخذه می کنند؛ گویا نمی دانند که عشق گناه نیست اما کدام عشق؟ خداوندا معبودا عاشقا، مرا که آفریدی، عشق به شیر مادر را به من یاد دادی، اما بزرگتر شدم و دیگر عشق اولیه مرا ارضاء نمی کرد پس عشق به پدر و مادر را در من به ودیعت نهادی. مدتی گذشت، دیگر عشق را آموخته بودم اما به چه چیز عشق ورزیدن را نه، به دنیا عشق ورزیدم به مال و منال دنیا عشق ورزیدم. به مدرسه عشق ورزیدم. به دانشگاه عشق ورزیدم اما همه ی این ها بعد مدت کمی جای خود را به عشق حقیقی و اصیل داد یعنی عشق به تو. (يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مالَ وَلَا بَنُونَ) فهمیدم که وقتی شرایط عوض شود "يَفِرَّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَ صَاحِبَتِهِ وَ بَنِيهِ وَ أُمِّهِ وَ أَبِيهِ"، پس به عشق تو دل بستم بعد از چندی که با تو معاشقه کردم یکباره به خود آمدم و دیدم که من کوچکتر از آن هستم که عاشق تو شوم و تو بزرگتر از آن هستی که معشوق من قرار گیری، فهمیدم در این مدت که فکر می کردم عاشق تو هستم اشتباه می کرده ام، این تو بودی که عاشق من بوده ای و من را می کشانده ای، اگر من عاشق تو بودم باید یکسره به دنبال تو می آمدم.

ولیکن وقتی توجه می کنم می بینم که گاهی اوقات در دام شیطان افتاده ام ولی باز مستقیم آمده ام. حال می فهمم که این تو بوده ای که به دنبال بنده ات بوده ای، و هرگاه او صید شیطان شده، تو دام شیطان را پاره کرده ای و هر شب به انتظار او نشسته ای تا بلکه یک شب او را ببینی، حالا می فهمم که تو عاشق صادق بنده ات هستی، بنده را چه، که عاشق تو بشود (عَنَّا شَكَارُ كَرَكْسَ نَشُودُ دَامَ باز گیر) آری تو عاشق من بودی و هر شب مرا بیدار می کردی و به انتظار یک صدا از جانب معشوق می نشستی؛ اما من بدبخت ناز می کردم و شب خلوت را از دست می دادم و می خوابیدم! اما تو دست بر نداشتی و انقدر به

این کار ادامه دادی تا بالاخره من گریز پای را به چنگ آوردی و من فکر می کردم که با پای خود آمده ام.

و به چه خیال باطنی!! این کمند عشق تو بود که به گردن من افتاده بود. مرا که به چنگ آوردی به صحنه ی جهادم آوردی تا به دور از هر گونه هیاهو با من، نبرد عشق بیازی. من در کار تو حیران بودم و از کرم تو تعجب می کردم. آخرتو بزرگ بودی و من کوچک!! تو کریم بودی و من لئیم! تو جمیل بودی و من قبیح، تو مولا بودی و من شرمنده از این همه احسان تو بودم. کمند عشقت را محکم تر کردی و مرا به خط مقدم عشق بردی، در آنجا شراب عشقت را به من نوشاندی و چه نیکو شرابی بود.

من هنوز از لذت آن شراب مست. اولین جرعه ی آنرا که نوشیدم مست شدم و در حال مستی، تقاضای جرعه های دیگر کردم. اما این بار تو بودی که ناز می کردی و مرا سر می گرداندی، پیاله ام را شکستی، هر چه التماس می کردم تا از حجاب ظلمانی بیاسایم، ندادی و زیر لب به من خندیدی و پنهانی عشوه کردی.

اکنون من خمارم و پیاله به دست، هنوز در انتظار جرعه ای دیگر از شراب عشقت به سر می برم.

ای عاشق من!! ای اله من!! پیاله ام را پر کن و در خماریم نگذار. تو که یک عمر به انتظار نشسته حال که به من رسیده ای چرا کام دل بر نمی گیری؟ تو که از بیع و شراء متاع عشق دم می زنی، چرا اکنون مرا در انتظار گذاشته ای؟ اگر بدانم که خریدار متاعم نیستی و اگر بدانم که پیاله ام را پر نمی کنی، پیاله ی خود را می شکنم و متاعم را به آتش می کشم تا در آتش حسرت بسوزی و انگشت حسرت به دندان بگذاری.

به آهی گنبد خضراء بسوزم جهان را جمله سر تا پا بسوزم
بسوزم یا که کارم را بسازی چه فرمائی بسازی یا بسوزم

پی نوشت سردبیر: این بخشی از وصیت نامه شهید ناصر الدین باغانی بود. به تازگی از طرف دوستی برای من ارسال شد و حیف بود که خوانندگان این مجله ازش بی بهره بمونن. پیشنهاد می کنم حتما متن کامل رو از اینترنت مطالعه کنید.

نامه به پدر

دختر

سلام پدر دوست داشتنی من. دلم برایت تنگ شده. هر شب با داستان‌های مامان درباره تو راحت می‌خوابم. داستان‌های قشنگی درباره محبت و مهربانی‌های بی‌پایانت برایم تعریف می‌کند. پدر عزیزم! تنها قهرمان زندگی‌ام تو هستی. دو دست کوچکم را هر شب به سمت آسمان دراز می‌کنم و از خدای مهربانم می‌خواهم که فردا با صدای زیبا و لذت بخش تو از خواب بیدار شوم و تو را در آغوش بگیرم و یک دل سیر گریه کنم. پدر قشنگم! هیچ می‌دانی که هر شب در خواب دست‌های کوچک من را می‌فشاری و با هم از کوچه روبه‌رو خانه مان به سمت چمنزار می‌دویم و نسیم ملایمی موهایم را نوازش می‌کند و تو را به آغوش می‌کشم؟ در همین لحظه از خواب بیدار می‌شوم و می‌گویم اشکالی ندارد؛ پدرم برای دفاع از سرزمینمان رفته. هر چند می‌دانم خیلی سختی می‌کشد ولی امیدوارم جنگ تمام شود تا بتوانم دوباره ببینمت. پدر جان! پنج سال است که نتوانسته‌ام ببینمت. امروز که رفتم اول ابتدایی یکی از عکس‌هایت را در کیفم گذاشتم تا مواظبم باشی.

پدر

سلام دختر قشنگم. ما در خط مقدم در حال مبارزه با دشمن و دفاع از کشور هستیم.

دختر عزیزم! من در اینجا دوست‌های زیادی پیدا کرده‌ام که همه دختر و پسرهای قشنگی دارند. من هر شب عکس تو را به آنها نشان می‌دهم و درباره تو حرف می‌زنم. اینجا هرشب دور از عزیزانمان با ترس و دلهره می‌خوابیم و هرشب بخاطر بمباران در اینجا، تعدادی از دوستان خوبم را از دست می‌دهم. خیلی دلتنگ تو هستم و هر شب دعا می‌کنم که هر چه زودتر جنگ تمام شود تا بتوانم تو را ببینم و دستانت را بگیرم و صورت قشنگت را ببوسم.

■ درسا محسنی

پایه هفتم



به نام خدا

مدتی‌ه درگیر اشعار و آهنگ‌ها با معنی عشق ازلی به خدا شدم... اخیرا احساس می‌کنم که شاید درک بهتری از این اشعار پیدا کردم. قبلا به این مفهوم عشق ازلی که تو اشعار می‌ومد نگاهی گذرا داشتم و با خودم می‌گفتم فرد احتمالا از عشق زمینی داره میگه... ولی اخیرا خیلی کنجکاو شدم که این عشق که در طول تاریخ، افراد مختلف ازش گفتن دقیقا چیه.

طبیعی‌ه که با توجه به اتفاقات سالهای اخیر کشورمون، بعضی‌هامون دربرابر دین و خدا یه گاردی گرفته باشیم... نمی‌تونم انکارش کنم که یه زمانی که خیلی هم دور نیست چقدر احساس پوچی بی‌معنایی می‌کردم. ولی کم کم و به لطف خدا این حس از بین رفت و آروم آروم داره بیشتر برام آشکار میشه که دلیلی داشته که تک تکمون وارد این جهان شدیم. تاثیری که باید بزاریم... چیزی که باید بهش برسیم...

به قول شاعر مرحوم "افشین یداللهی" که علیرضا قربانی هم آهنگ "مدار صفر درجه" رو با این شعر خونده:

وقتی که من عاشق شدم

شیطان به نامم سجده کرد

آدم زمینی‌تر شد و

عالم به آدم سجده کرد

از این آفرینش نباید گذشت. ما دقیقا چی بودیم که خدا به فرشتگانش گفت بهمون سجده کنند؟ ما چی هستیم که انقدر خدا عزیزمون کرده؟ بهش فکر کنیم...

■ بهاره سادات شاه ولایتی

سردبیر

پادکست و زندگی

پادکست‌ها، بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی دیجیتال ما انسان‌ها شده‌اند. می‌توانیم با گوش دادن به پادکست‌ها لحظات جذاب و هیجان‌انگیزی داشته باشیم. همچنین اطلاعات لازم در مورد موضوعات مورد علاقه‌مان را بدست آوریم.

پادکست "ایستگاه فضایی"، یکی از بهترین پادکست‌های علمی در زمینه فضا و نجوم است. در این پادکست چندین نفر درباره موضوعات مربوط به فضا با هم گفت و گو می‌کنند.

حدوداً ۸ سال پیش در راه برگشت از ساری بودیم؛ نزدیک ورسک... پدرم پیشنهاد داد که یکی از پادکست‌هایی که از "ناملیک" دانلود کرده بود را با هم گوش کنیم. پادکست درباره منظومه شمسی بود. "وقتی که جرم یک سیاره بیش از ۸ برابر جرم خورشید ما از هیدروژن نباشد و به هلیوم تبدیل شود، بزرگ می‌شود، سرد می‌شود و تبدیل به یک غول قرمز بزرگ می‌شود که شاید هم به یک سوپر غول قرمز تبدیل شود و سحابی از عناصر سیارات را به بیرون پرتاب می‌کند... و بسیاری از مطالب جذاب دیگر؛

ذهن من را چندین روز درگیر خودش کرد، همچنین ذهن پدرم را... پادکست "مشاهیر جهان" نیز مورد علاقه من است. زندگی‌نامه افراد معروف و مشهور و دانشمندان جهان که تاثیر شگرفی در علم و دانش، فناوری و تکنولوژی داشتند.

افراد موفقی که بر سختی‌ها و مشکلات زندگی چیره شدند و تاثیر بزرگی از خودشان به جا گذاشتند.

شبی در کنار پدرم سر به بالین گرم و نرم گذاشته بودم و به پادکستی درباره زندگی انیشتین گوش می‌کردم. بگذارید یکی از پاراگراف‌ها را برایتان تعریف کنم:

"انیشتین در زمان کودکی از مدرسه اخراج شده بود زیرا خنگ و کند ذهن بود؛ البته از نظر معلمش. مادرش از گفتن این موضوع به آلبرت اجتناب کرد و سعی کرد تا جایی که می‌تواند از فرزندش تعریف کند. این تعاریف باعث شد آلبرت به تلاش و کوشش بی‌پایان بپردازد و تبدیل به یکی از بزرگترین دانشمندان جهان شود. این است تاثیر حرف‌های مثبت مادرش..."

در پایان، خیلی‌ها به جای خواندن کتاب و دیدن آن همه تصاویر زیبا، به پادکست گوش می‌سپارند. خواندن نوشته‌ها بهتر از گوش کردن صداهاست. مثلاً ورق زدن صفحات آلبوم و دیدن عکس‌ها بهتر است یا دیدن عکس‌ها در گوشی؟! این را می‌گذارم به عهده خودتان...

■ هانا احمدی

پایه هفتم



فرستنده: دانش آموز فرزنانگان ۴

گیرنده: پدر موشکی ایران، حسن طهرانی مقدم

شهید عزیز، حسن طهرانی مقدم

در لحظات سخت و پر تلاطم کشورمان، شما با علم و دانش نه تنها برای ما افقی جدید و روشن گشودی بلکه با قلبی پر از عشق به وطن، به پیشرفت و اقتدار کشور عزیزمان کمک کردی. شما با دستانی که همچون قلم علم و دانش، ابزارهای پیشرفت را در این سرزمین ساختی، به ما درس بزرگی از فداکاری و ایثار آموختی. از همان روز هایی که در میدان جنگ و سختی‌ها ایستادی، هیچ گاه از هدف بزرگ دور نشدی.

شما با تلاش های خستگی ناپذیرت و دانش عمیقت به ما نشان دادی که چگونه می‌توان با ایمان و علم به پیشرفت های بزرگ دست یافت. شما با هر قدمی که برداشتی نه تنها برای خود بلکه برای نسل های آینده راه را هموار کردی.

یاد آور روزهایی هستم که شما با دقت و دلسوزی به توسعه ی فناوری های پیشرفته موشکی ایران پرداختی. روز هایی که شاید دیگران در آسودگی و آرامش بودند، شما در آزمایشگاه و کارگاه ها به دنبال راه حل هایی برای امنیت و آینده ایران بودی. شما با هوش و ذکاوت خود موشک هایی را طراحی کردی که امروز به عنوان نماد اقتدار و پیشرفت کشورمان شناخته می شود.

هر بار که به دستاورد ها و تحقیقات شما نگاه می کنیم قلبمان پر از غرور و اندوه می‌شود. غرور به خاطر داشتن قهرمانی همچون شما که با علم و عمل خود، ایران را به سوی افق‌های جدید هدایت کرد و اندوه به خاطر فقدان، به خاطر نبودت در میان ما، که امروز می توانستی همچنان در مسیر پیشرفت و تعالی کشور نقش ایفا کنی.

شهید عزیز! شما با علم و دانش خود نه تنها به پیشرفت های فناوری کمک کردی بلکه به ما آموختی که چگونه می توان با همت و اراده، هر مانعی را از سر راه برداشت. به واسطه تلاش های شما، ایران امروز می تواند با افتخار و سر بلندی در عرصه های علمی و فناوری حضور یابد.

روح شاد و یادت گرامی ای شهید والا مقام. ما همیشه به یاد شما و تلاش هایت خواهیم بود و میراث علمی و فرهنگی شما را با عشق و افتخار پاس خواهیم داشت. یاد و خاطره شما در دل هایمان جاودانه خواهد ماند.

■ فاطمه گرداد

پایه هفتم

نامه ای به حافظ

ای شاعر بی‌همتای پارسی...

ز قرن‌ها بعد به تو سلام می‌کنم، جایی که خبری از کاتب و مکتب‌خانه نیست، اینجا مدارس همه هوشمند است، خبری از اسب و قاطر نیست و برای حمل و نقل از مترو و هواپیما استفاده می‌شود، خیلی وقت است که کبوترهای نامه‌بر شغل‌هایشان را از دست داده‌اند و موبایل و تلفن جایشان را گرفته‌اند و جوهر و مرکب نیز جایشان را به خودنویس داده‌اند.

خلاصه در این چند قرنی که نبودی خیلی چیزها تغییر کرده، اما یاد تو و شعرهایت در دل‌هایمان زنده هست و هنوز فال‌های تو برای کسانی که در انتخاب مسیر شک دارند، الهام‌بخش است.

بعضی وقت‌ها با خودم فکر می‌کنم اگر در این دنیای پر زرق و برق و دروغ و استرس بودی و این عشق‌های مجازی را می‌دیددی باز هم می‌توانستی یک گوشه بشینی و شعر عاشقانه بنویسی و از باده و می و ساگی بگویی؟

بدون شک با قسط‌های عقب افتاده، اجاره خانه و قیمت دلار و سکه مجبور بودی بعدازظهر یک موتوری باشی، پس خوشحال باش که برخلاف ما، در زمان و مکان مناسبی به دنیا آمدی.

ولی خداوکیلی بین خودمان باشد، تفسیر شعرهایت و پیدا کردن آرایه‌ها در ابیات، پوستمان را کنده است. شعرهایت برای خودت باعث آرامش و معرفت بود اما برای ما باعث تجدید شدن و پایین آمدن نمرات است. تو در خلوت شعر گفتی و ما بدبخت باید بفهمیم منظور از آن شعر‌ها چه بوده است.

من رو ببخش که نمی‌تونم مثل خودت زیبا و با آرایه بنویسم. از وقتی تو رفتی مردم یک جور دیگه حرف می‌زنند مثلاً به جای بسیار خوب می‌گویند اوکی و به جای تشکر می‌گویند مرسی. خلاصه که اگر الان اینجا بودی هیچی از حرف‌هایمان نمی‌فهمیدی و آن موقع این تو بودی که باید سرکلاس می‌نشستی و معنی کلمات ما را یاد می‌گرفتی. فور فان (for fun) بود... ببخشید، ببخشید، جهت مزاح بود.

از این حرف‌ها بگذریم، هر چقدر هم که بگذرد تو همیشه باعث افتخار ایران و ایرانی هستی و هنوز هیچ شاعری رودست تو نیامده‌است.

و در آخر از تو می‌خواهم در جواب نامه برایم بنویسی که چطور اینقدر راحت از بی‌خیالی حرف می‌زدی؟ چطور توانستی این دنیا را آنقدر ساده ببینی؟ راستش رو بخواهی، این روز‌ها دنیا خیلی پیچیده شده، آدم‌ها مدام نگران آینده‌اند و غصه گذشته را می‌خورند و انگار فراموش کردند که همین لحظه‌ای که در آن هستند تنها چیزی هست که دارند.

جواب نامه از طرف حافظ

ای یار دور از دیار

گرچه سال‌ها گذشته و جهان دگرگون شده است، اما دل آدم همان است که بود. تو پرسیدی که اگر امروز بودم، بازهم از عشق می‌سرودم؟ آری که عشق در هر زمان حقیقتی است بی‌زوال. اگر امروز زنده بودم بازهم می‌گفتم:

"عشق همچو آتشی است که همیشه برافروخته است که در دل‌های عاشقان تا ابد باقی است"

و در پاسخ با آن گله‌ات، به خواب دبیرتان می‌آیم و از او خواهش می‌کنم برای پیدا نکردن آرایه‌ها با شما مدارا کند تا شما کودکان با نفرین‌های خویش تن مرا در گور نلرزانید.

و در آخر از شما تمنا دارم که پارسی را پاس بدارید.

به یاد گذشته و آینده مرو، که در این لحظه

عمر به غصه گذشت، بگذار که لب تر کن

صرای دل را چرا تشویقش فردا کنیم؟

باده به دست و دل از غم فردا بی‌خبر کن

■ نیکا برجی

پایه هفتم

نامه به مادرم

سلام عزیزترینم

خواستم از دل برایت نامه بنویسم.

تو تنها آدمی هستی که می‌فهمی کی واقعاً خوشحالم و کی دلم شکسته... کی می‌خواهم گریه کنم و قبل از اینکه خبری بهت بدهم از لحن و رفتارم خودت متوجه می‌شوی که چه در سر دارم.

تو کسی هستی که از آن‌چه در من وجود دارد باخبری و من را کامل می‌شناسی؛ بنابراین جلوی تو نمی‌شود به چیزی تظاهر کرد.

وقتی غمت را می‌بینم غمگین می‌شوم و وقتی خنده‌ات را می‌بینم احساس شادی می‌کنم.

تو برای من آنی هستی که هر کاری هم بکنی نمی‌توانم دوستت نداشته باشم. آیا تو هم همین احساس را داری؟

وقتی زمین خوردم بقیه به من خندیدند ولی تو تشویقم کردی که بلند شوم.

وقتی گریه کردم برای کسی مهم نبود ولی تو را دیدم که با گریه من اشک در چشمانت حلقه زده که مبدا من دارم اذیت می‌شوم.

همیشه من اولویتت بودم و اگر کسی با من با تندی رفتار می‌کرد جوری با او رفتار می‌کردی که به خود می‌بالیدم.

اگر کسی دلت را شکست، اگر کسی ناراحت کرد، اگر کسی باعث گریه‌ات شد؛ به آغوش من بیا که بیشترین عشق بین من و تو است

ای زیباترین خالق جهان *مادر*

سها قندهاری

پایه هفتم

شکار من

از ترس هایم خسته شدم. وقت آن است که به شجاعتی جاودان، بهایی جانانه بدهم.

آن موجود بیرون از این مرز می‌ایستد. به او می‌گویند «شکارچی»؛ یعنی موجودی که شکار می‌کند... ولی اکنون او شکار من است.

قدم اول. برگ‌ها و شاخه‌های خشک زیر پاهایم می‌شکنند و توجه شکارچی را جلب خود می‌کنند.

آری؛ ترسیده‌ام.

قدم دوم. شاخه‌ها و برگ‌های بیشتر. شکارچی دارد به سمت من آید. ترسیده‌ام.

قدم سوم. شکارچی مرا دید. دارد به من نزدیک می‌شود. ترسیده‌ام.

قدم چهارم. می‌ترسم.

قدم پنجم. می‌ترسم.

قدم ششم. هفتم، هشتم، و نهم.

دقیقا رو به روی شکارچی ایستاده‌ام.

انعکاس آهوئی غریب را درون چشم‌هایش می‌بینم. آن آهو بر خلاف من شجاعتی وصف ناپذیر دارد.

شلیک کن شکارچی. مرا از ترس ترس‌هایم رها کن. شلیک کن شکارچی. شلیک کن.

شکارچی دقیقا پیشانی‌ام را هدف گرفته است و یکی از چشم‌هایش را بست. استوار، نفسی عمیق کشید و...

پرنندگان پریدند.

می‌گویند ظاهری خوفناک دارد. قدی بلند، عضلاتی بزرگ، صورتی کریه و دستانی بی‌رحم که انگشتانشان را به دور تفنگش می‌پیچانند.

از کودکی به من گفته بودند که: «اگر تو را بیابد، دیگر طلوع فردا را نخواهی دید.»

آنها مرا از دشمنی که هیچ‌گاه ندیده بودمش ترساندند.

ولی ترس از چه؟ از که؟

ترس از موجودی که ممکن است روزی توسط دستانش، روز‌های دیگر را نبینم؟ ولی من هر روز، هزاران بار می‌میرم.

مرگ حقیقی ترسی ندارد. مرگ برای هم‌نوعان من عدم تنفس است و ندیدن چشم‌ها. من از این مرگ هراسی ندارم.

مرگ برای من نشناختن موجودی است که هنگام دیدن عکس خودم درون اب، می‌بینم.

مرگ برای من اتمام نفس کشیدن، دیدن، شنیدن، دویدن، صحبت کردن و خوردن و اشامیدن نیست.

مرگ ترس است. اضطراب است. ناامیدی، شرم، جای خالی معنا، اشک ریختن هنگام خواب، نبود عزیزی جز خدا، اطمینان نداشتن به نفس خویش است.

مرگی که می‌شناسم هر روز به سراغ من و چون من‌ها می‌آید ولی آنی که آنان می‌گویند رهایی است از زجر‌ها.

در دوران جوانی‌ام بر این باور بودم که «زندگی است و مرگ هایش» ولی حال من فرق مرگ را با زندگی‌ام نمی‌دانم.

گلنار اویسی

پایه هشتم

روایانده شده از خون

بوی تند ظهرگاه به مشام می‌رسد. مامان مخملی همیشه می‌گوید که ما آهوها زمان را با بوی آن تشخیص می‌دهیم. در مکان‌های جدید، کمی سخت است اما من زود عادت می‌کنم. الان هم مطمئن نیستم اما از بوی علفزار داغ که از زیر پایم حس می‌کنم و اندکی با هوای تازه و درحال حرکتی که کمی خاک با خود دارد، آمیخته شده است، می‌توان حدس زد که ظهر است، یا کمی از آن گذشته است.

قدم‌هایم را تند تر کردم. جالب است که وقتی سریعتر راه می‌روم، محیط اطراف را بهتر حس می‌کنم.

گرمی سنگ‌های ناهموار، حرکت سلانه سلانه‌ی خاک زیر پایم و بهتر از همه، سبزه‌ها، گرم، نامنظم و کمی زیر تر از آنچه تصور می‌کردم.

اینجا همه چیز با آنچه از پیش تصور می‌کردم متفاوت است. همین این دشت را زیباتر می‌کند. ملودی‌ای از ناترازی‌هایی که ذهنم را قلقلک می‌دهد و من را به بیشتر خواستن تحریک می‌کند. احساسات جدید را دوست دارم، حتی اگر با آنچه تصور می‌کردم متفاوت باشند.

در طی راه، سنگ‌ها خراش‌های سطحی‌ای را روی سم‌هایم به وجود می‌آورند. برخی علف‌های بلند، مخمل

صاف شکمم را بهم می‌ریزند و حشرات سرگردان، نظم خز‌های روی کمرم را از آن می‌گیرند. دارم شبیه دشت می‌شوم؛ نامنظم و خاص. چقدر طول می‌کشد که کاملاً هم نقش و نگار دشت شوم؟ چقدر طول می‌کشد به همه‌ی این‌ها عادت کنم؟ امیدوارم زمان زیادی طول بکشد. خیلی خیلی زیاد. تا برای مدت زیادی، احساسات جدیدی برای کشف داشته باشم. و دشت هم همیشه قلمی جدید برای نقاشی من رو کند.

– بیا دیگه! چقدر یواش راه میری!

– تا اینجا هم خیلی خوش گذشت. به نظرم دیگه کافیه. خطرناکه‌ها!

خواهر و برادرم بودند. اولین بار بود بدون پدر و مادرمان به دشت می‌آمدیم. گوش سفید برگشت. طبق باور او احتیاط شرط عقل است. من ماندم و عسلی.

سرعتم را بیشتر کردم، همزمان با آن احساساتم شدیدتر و متفاوت‌تر شد. چقدر فوق العاده!

دویدیم و دویدیم. پاهایم ناخواسته سریعتر می‌شوند. با سم‌های تازه نفسمان، دشت را متر کردیم. صدای برخورد زمین با قدم‌هایم، هم نوازی پرندگان، حشرات و باد را حتی با پوستم هم می‌توانم بشنوم. ناگهان، دیگر صدایی نبود.

درک می‌کنم. می‌فهمم خواهرم ترسیده کنارم ایستاده است، که مجموعه‌ای از علفزار زیر پایم است. کاملاً از اطرافم آگاهم، اما هیچ احساسی درونم نیست.

تا به خودم آمدم، صدای پایش را می‌شنیدم. علف‌ها را زیر پایش له می‌کرد. سنگ‌ها را از زمین می‌درید. و خاک را با هوا مخلوط می‌کرد. هم پای او، ما هم شروع به دویدن کردیم.

مسیر دویدنمان همان بود. هوا و زمین هم همان بودند. درست عین دقایقی پیش. اما آنچه درونم بود، اصلاً همان نبود. تند تر از قبل می‌دوم، اما جز سکوت و سکونت هیچ حس نمی‌کنم. تشدید احساساتی هم در کار نیست. تقریباً یقین دارم که جای دیگر می‌دوم.

عظمت جثه‌ی مملو از درندگی‌اش هر دم ملموس تر می‌شود. صدای طوفانی که از ریه‌های قدرتمندش می‌آید، پاهای من را سریعتر می‌کند. در این لحظه، او از همه چیز واضح‌تر است و حضورش یک دشت را تغییر داده است. اگر هر چیز جز این ببر چنین احساساتی در من به وجود می‌آورد، من آن را معبود خود قرار می‌دادم.

چندی که می‌گذرد، فراغ حرکت در اطراف، سنگینی باد و زمختی زمین، همگی از شتاب من می‌کاهند. درست همانطور که پیش تر من را وادار به اوج گرفتن می‌کردند، الان توان حرکت را از پاهایم بیرون می‌کشند.

به ناگهان، گویی سدی در وجودم شکسته باشد، احساس ترس درونم، سیل مانند جاری می‌شود. در هر قسمت از بدنم حسش می‌کنم. حتی در هوایی که وارد شش‌هایم می‌شود. جثه‌ی مرگ به من نزدیک شده بود.

نزدیکی پنجه‌هایش، بیشتر از سنگ‌ها پاهایم را خراش می‌دهند. و آتش نفسش تمام بدنم را می‌سوزاند.

در همین لحظه می‌توانستم تصور کنم که پنجه‌هایش جان را از بدنم بیرون می‌کشد. سپس دندان‌های بُرنده اش جسم بی‌جان من را گوارای وجود خود می‌کند.

به هر دلیلی که بود، نایستادم. در آتش نفسش خاکستر نشدم. در خلاء چشمانش گم نگشتم و نگذاشتم پنجه‌هایش بر من غالب شوند.

تا دقایقی پیش من در ابهت او تقلا می‌کردم و اکنون او برای نگهداشتن من. در نهایت، با کشیدن پنجه‌ی آهنینش بر خز حنایی رنگ کمرم، پرده‌ی خلاء اطرافم را درید.

شکارچی مانند یکی از مداد‌های طبیعت، خطی بر من کشید و سپس فاصله دوباره میانمان حکم فرما شد.

همانطور که دیگر خبری از سکونت نبود، از احساسات ماقبل آن هم سودایی به گوش نمی‌رسید. باز هم احساسات نو! دوباره بر سرعتم افزودم و باز بر احساساتم افزوده شد. همینطور

که می‌دویدم، رهایی را با تمام وجود حس می‌کردم. صدای فریاد جان‌گیری، شیرینی این رهایی را در من تلخ کرد. به اندازه‌ی ده آهو از ببر دور بودم. و نبود سنگینی درندگی اش هنوز زیر زبانم شیرین بود.

سرم را برگرداندم. زیر بازوان درشتش، جان شیرین عسلی، در آخرین تقلا‌هایش می‌لرزید. ببر حالا آرام بود. دیگر آن عظمت تاریک را نداشت. هنگامی که خالی از کام شکار بود، گویی اصلاً ببر نبود.

به جسم ریز خواهرم زیر پنجه‌هایش خیره شدم. آخرین نفس، آخرین پلک و آخرین لرزش خفیف گوش‌های لطیفش.

ببر دندان‌هایش را در شکم لطیف آهو فرو برد، و چونان که خون از بدن او جاری شد، اشک از چشمان من سرازیر گشت.

حال می‌فهمم. دشت این بوم‌های زرین، مناظر شگفت‌آور و احساسات دلنوازش را از شیرهی سرخ جان عزیز موجودات روایانده است.

ملیکا غزنوی

پایه هشتم

شبکه چهار زندگی

به نام خدا

به زیر مبل مخملی طوسی رنگ پناه می برد؛ آخر صاحب خانه هر روز او را با جاروی چوبی اش که از مادر بزرگش به ارث رسیده، می زند. مگر هنوز هم کسی از این جاروها دارد؟

آنقدر که با آن موش را کتک زده بعضی از چوب های جارو اش شکسته و بعضی دیگر کنده شده اند.

هر روز همین بساط بود؛ موش به دنبال تکه ای پنیر از یک گوشه به گوشه دیگر می رفت، اما دریغ از یک تکه نان حتی!

صاحب خانه به محض رسیدن به خانه، با عصبانیت کلاه کاموایی دست دوزش را به سمت مبل پرتاب می کند، جوراب هایش را گوله می کند و مانند یک تجربه دیده، نشانه گیری می کند و آنرا به طور دقیق به گوشه اتاق پرتاب می کند. بارانی اش را روی دسته ی مبل می اندازد و برای خوردن کمی غذا به سمت آشپزخانه می رود. در یخچال را باز می کند و پنج دقیقه ای به داخل آن زل می زند، اما ناامید می شود.

در یخچال را می بندد و به سمت هال می رود اما در وسط مسیر، دوباره برمی گردد و در یخچال را باز می کند؛ بی هدف لای قوطی های رب و زیتون را می گردد و دوباره در را می بندد.

انگار نمی خواهد باور کند بعد از روز سختی که در دانشگاه داشته، چیزی برای خوردن در یخچال وجود ندارد.

صاحب خانه، دختر دانشجوی ترم سه هنر است و تنها زندگی می کند و روابط اجتماعی خوبی ندارد. پدر و مادرش سال ها پیش از هم جدا شدند و حالا او، سرگردان و تنها در خانه اجاره ای خودش در جایی غریب زندگی می کند.

موش، همه ی این ها را وقتی که دختر با خودش حرف می زند متوجه می شود؛ انگار که تنها دوست و همدم دختر، خودش است.

حدود ساعت ۶ بعد از ظهر وقتی هوا دلگیر است و نم نم باران به آرامی به شیشه ی پنجره ی آشپزخانه برخورد می کند، موش مثل همیشه برای پیدا کردن نان به جست و جو می پردازد؛ وقتی وارد آشپز خانه می شود، دختر را در حالی می بیند که پشت میز ناهار خوری چوبی نشسته و بی حوصله سرش را روی پرتره هایی از خواننده ی مورد علاقه اش که چند روز پیش

کشیدنش را شروع کرده بود، گذاشته.

بر روی زمین کنار میز دفترچه یادداشت چرمی کوچکی بود که توجه موش را به خود جلب کرد.

در هر صفحه درباره اتفاقات عادی روزمره اش در دانشگاه، در خانه، در خیابان و ... نوشته بود که ممکن بود برای هر کسی اتفاق بی افتد. شاید به خاطر همین بود که روی دفترچه نوشته شده بود: "شبکه چهار زندگیم". انگار چشمان دختر، رمق بیدار ماندن و زیستن را نداشت، اما این بار با دیدن موش، نه دنبال جاروی چوبی اش گشت و نه حتی فریاد زد و فقط بی توجه سرش را چرخاند. موش از رفتار دختر متعجب شد، آخر هیچ وقت این اتفاق سابقه نداشته؛ موش آنرا به فال نیک گرفت و به سمت دختر رفت.

انگار که دلش برای حال دختر می سوزد. حالا دیگر موش درست در نزدیکی چهره ی دختر قرار گرفته و می تواند چشمان سیاه دختر را ببیند. اما انگار پرده ای شفاف چشمان دختر را پوشانده و چشمانش چیزهایی را فریاد می زند: مثل غم، حسرت و دل تنگی.

موش انگار که می خواهد به او حس اطمینان و امید بدهد اما دیگر خیلی دیر شده.

دختر به موش خیره می شود و لبخند ملیح و آرامی می زند؛ چشمانش را می بندد و قطره اشکی از گوشه ی چشمش روی گونه هایش لیز می خورد، او به خواب می رود؛ به خوابی عمیق که هرگز قرار نیست بیدار شود.

لبخند دختر محو نمی شود، انگار که از وضعیتش راضی است.

انگار که دیگر یقین دارد میتواند باری از غم، حسرت و دلتنگی که همیشه با خودش حمل می کرد را زمین بگذارد و خوابی با آرامش را داشته باشد.

■ زهرا نوری

پایه هشتم



تأثیر شادی و نشاط بر یادگیری دانش آموزان

موفقیت تحصیلی دانش آموزان از موضوعات مهمی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی است. در مطالعات اخیر، نقش نشاط و شادکامی بر پیشرفت های تحصیلی مورد توجه قرار گرفته است. نشاط و شادابی در مدرسه باعث رشد و شکوفایی در همه ی ابعاد وجودی یک دانش آموز می شود. در محیط شاد، ذهن انسان پویا، زبانش گویا و استعدادش شکوفا می گردد. شکی نیست که یکی از وظایف مهم تربیتی مدیریت و برنامه ریزی آموزشی مدارس، تشویق نوجوانان به مشارکت و تعاون در همه امور است و آنان می توانند با برنامه ریزی آموزشی مناسب به جلب مشارکت دانش آموزان در امور مختلف مدرسه اقدام کنند. این موضوع می تواند به احساس مفید بودن و دور شدن از انزوا و کسالت در نوجوانان کمک کند و خود یکی از موارد شاد و با نشاط زیستن است. بدون شاد بودن، یادگیری ممکن نیست و جایی که یادگیری نباشد، تدریسی وجود ندارد.

دانش آموزان با شاد بودن و نشاط به یادگیری اشتیاق داشته و سخت کوش هستند. آنها در درس هایی موفقیت بیشتری کسب می کنند که نسبت به آن موضوعات، شاد بودن بیشتری دارند؛ لذا یادگیری انسان و سازماندهی رفتار نوجوان در گرو نشاط و شادابی و هیجانات مثبت اوست و خلاقیت و شکوفایی استعدادها در گرو نشاط و انبساط روحی انجام می شود. دانش آموزان عزیز! یادتان باشد که مکث آگاهانه می تواند راهگشای حال بد شما باشد. هنگامی که دچار افکار و احساسات سخت و منفی هستید، آهسته کردن سرعت خود، حتی برای لحظاتی کوتاه، اغلب زمان کافی برای شما ایجاد می کند تا شرایط ذهن و بدنتان را بهتر مشاهده کنید. همچنین یک یا چند نفس آگاهانه به شما امکان می دهد تا اولویت ها را دریابید و تصمیم بگیرید چکار کنید.



به یاد داشته باشید که گاهی عاقلانه ترین تصمیم این است که به شرایط اجازه دهید روند طبیعی خود را طی کنند.

مشاور بالینی چه نقشی میتواند در شاد بودن دانش آموزان داشته باشد؟

۱. خودشناسی و رشد فردی
۲. شنیده شدن در یک فضای امن
۳. کنار آمدن با تغییرات بزرگ زندگی
۴. کنار آمدن با اتفاقات سخت گذشته
۵. تغییر دادن الگوهای رفتاری ناکارآمد
۶. شناخت و مدیریت احساسات و هیجانات

نشاط و شادابی در مدرسه باعث رشد و تکامل همه ابعاد وجودی یک دانش آموز در بعد جسمانی، شناختی، عاطفی، اخلاقی و معنوی می شود. چنانچه یک بعد از این ابعاد دچار صدمه شود و یا مورد غفلت و فراموشی قرار گیرد، دانش آموز به توانایی ها و شایستگی های کامل دست نخواهد یافت. زندگی با شادی و نشاط معنا پیدا می کند و در پرتو آن، دانش آموزان به ویژه در دوران نوجوانی و جوانی می توانند پله های ترقی را پیمایند. جامعه زنده و پویا جامعه ای است که عناصر شادی آفرین در آن فراوان باشد.

شاداب سازی ظاهری مدرسه

- ۱- فضاسازی و زیباسازی حیاط مدرسه: دیوارهای تزئین شده با نقاشی های زیبا، سطح زمین مناسب، کاشت درخت و فضای سبز، قرار دادن نیمکت های رنگی، تابلوی زیبا در سر در مدرسه، مناسب بودن اندازه محیط مدرسه.

۲- زیباسازی ساختمان مدارس: رنگ آمیزی در و پنجره و ساختمان، نصب پرده های زیبا، زیباسازی راهروها، کلاس ها و قرار دادن گلدان های گل طبیعی و مصنوعی در راهروها، مناسب بودن اندازه کلاس ها و...

۳- زیباسازی و تمیز بودن نمازخانه، کتابخانه و کارگاه: استفاده از خوش بو کننده ها، قفسه های زیبا، مناسب بودن محیط کتابخانه، نمازخانه و کارگاه.

۴- پوشش های ظاهری معلم ها، مدیر و کارکنان و دانش آموزان: استفاده از روپوش های شاد برای دانش آموزان و همچنین پوشش مرتب و استفاده از رنگ های شاد و روشن برای کارکنان مدرسه.

۵- رعایت بهداشت: تمیز بودن محیط مدرسه، کلاس ها، بهداشت فردی و اجتماعی دانش آموزان

ایجاد نشاط برای دانش آموزان:

- ۱- تأسیس بانک جایزه و تشویق دانش آموزان با ارائه کارت امتیاز
- ۲- برپایی جشن های شادی و مسابقات مختلف
- ۳- تقویت و توسعه بازدیدهای علمی و تفریحی
- ۴- تشکیل نمایشگاه های متعدد با مشارکت



پژوهشگران:

آیتک آلسا

فاطمه قربانی

استاد راهنما:

سرکار خانم ساره فراهانی

سرکار خانم میترا شقاقی

پاره خط

خلاصه ای از مقاله با عنوان

تأثیر باکتری های خاک بر تجزیه پلاستیک ها

مقدمه

پلاستیک ایجاد می کند، آلودگی دریاها و اقیانوس هاست.

این تهدید، بسیار جدی شده و جان آبیان را به خطر انداخته است. به همین دلیل برای رفع مشکل افزایش بیش از حد پلاستیک ها و آلودگی آن برای محیط زیست، از برخی باکتری های تجزیه کننده استفاده می شود. باکتری ها در سرتاسر کره زمین نقش دارند و اگر نبودند، انسان ها نمی توانستند امروزه به این راحتی نفس بکشند یا حتی کشاورزی کنند.

همانند انسان ها، حیوانات و گیاهان، باکتری ها هم برای زنده ماندن و تامین انرژی خود به غذا نیاز دارند. بعضی باکتری ها اتوتروف هستند و برخی دیگر هتروتروف.

باکتری های اتوتروف، از آب، نور و دیگر مواد شیمیایی موجود در محیط بهره می گیرند تا تولید انرژی کنند (برای مثال، سیانوباکترها از ۲/۳ میلیون سال پیش تاکنون، نور خورشید را به

روزانه در جهان حدود ۴ میلیون تن زباله تولید می شود که زباله های پلاستیکی بخش عمده ای از این زباله ها را تشکیل می دهد.

سالانه بیش از ۴ میلیارد کیسه پلاستیکی در طبیعت رها می شود. تجزیه پلاستیک حدوداً بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ سال زمان می برد. علاوه بر آلودگی های بصری که پسماند های پلاستیکی در طبیعت، جنگل هاو سواحل ایجاد می کند، می تواند با باقی ماندن در زیر خاک مانع نفوذ آب به زمین می شود. در این حالت با عدم جذب آب در زمین، امکان وقوع سیلاب افزایش پیدا می کند.

در یک تحقیق نشان داده شده است عامل اصلی سیلاب و فرسایش خاک، وجود پلاستیک در طبیعت است. در کشور های مختلف مانند کشورهای اروپایی برای کاهش مصرف پلاستیک، مالیات اخذ می شود.

یکی دیگر از راهکار های کاهش استفاده از کیسه های پلاستیکی، استفاده از کیسه های پارچه ای می باشد. یکی از آلودگی هایی که



مناسب و آراسته

۱۹- پرهیز از بی انضباطی و بی عدالتی در مدرسه

۲۰- تقویت امید به آینده در دانش آموزان

۲۱- بررسی عوامل مؤثر در افت تحصیلی و ترک

تحصیل دانش آموزان

۲۲- تقویت احترام متقابل بین دانش آموزان و دیگر

کارکنان مدرسه

۲۳- تهیه کارت تبریک به مناسبت تولد هر یک از

دانش آموزان و حتی آموزگاران

۲۴- توزیع شیرینی به مناسبت های مختلف از

جمله جشن ها و میلاد ائمه بین دانش آموزان

پند روانشناسی

افکار منفی و اضطراب ها

مانند پرندگانی هستند

که بالای سرت پرواز می کنند!

نمی توانی جلوی پرواز آن ها را بگیری

اما می توانی از نشستن آن ها روی سرت

و آشیانه کردنشان جلوگیری کنی ...

راضیه حیدری

مشاور بالینی در فرزنانگان ۴

دانش آموزان از دست سازه ها و کارهای تحقیقی و

امور آموزشی و پرورشی

۵- ورزش صبحگاهی به صورت دسته جمعی قبل از

شروع کلاس

۶- دعوت از دانش آموزان موفق مدرسه جهت

صحبت سرصف

۷- تشویق و تقدیر از فعالیت های کوچک و کم ارزش

از نظر دیگران

۱۰- مشارکت مؤثر اولیای دانش آموزان در انجام امور

مدرسه

۱۱- پرهیز از ایجاد تنش در مدرسه

۱۲- پرهیز از تنبیه، توهین، سرزنش، تحقیر در

مدرسه

۱۳- اجرای روش های تدریس فعال با محوریت

کلاسی بانشاط

۱۴- نصب عکس دانش آموزان ممتاز در تابلوی

اعلانات

۱۵- توجه خاص به زنگ تفریح

۱۶- نمایش فیلم و اسلاید در مدرسه

۱۷- تقویت فعالیت های هنری در مدرسه مثل گروه

تئاتر و گروه سرود

۱۸- حضور فعال آموزگاران با نشاط همراه با ظاهری





اکسیژن تبدیل کرده اند). اما هتروتروف ها صرفا مصرف کننده انرژی از مواد آلی هستند (مثل باکتری های تجزیه کننده محیطی).

مبانی نظری

با توجه به زندگی صنعتی و امروزی مردم، استفاده از انواع پلاستیک ها رواج دارد. با توجه به فزونی این پلی مر در زندگی روزمره امروزی انسان ها به فکر آن افتادیم که با استفاده از باکتری های موجود در خاک، تخریب و تجزیه کنیم.

بدین منظور باکتری های خاک را کشت داده و ابتدا در محلول آب مقطر استریل حل و سپس برای تسهیل فرایند به ویژه در "نوترین برات" محلول کرده و ۲ نمونه از پلاستیک ها را اعم از پت و پلاستیک نازک تر در لوله های آزمایش حاوی آب مقطر و نوترین برات اضافه کرده و میزان تفاوت دریافت باکتری ها را در این دو لوله با مدل اصلی آن بررسی کردیم.

روش شناسی

پژوهش انجام شده بیشتر براساس یافتن و آزمایش باکتری های مناسب بر پلاستیک ها بوده است که در طی آن از روش خالص سازی و کشت در محیط کشت مذاب (نوترینت آگار مذاب) استفاده شده و از اتوکلاو جهت استریل سازی در طی فرایند آزمایش استفاده شد، و در طی فرایند آزمایش ۲ نوع پلاستیک را در معرض محلول باکتری و نوترین برات قرار دادیم تا اثر این ۲ باکتری را بر روی پلاستیک مشاهده کنیم.

یافته های پژوهش

نمونه ای از خاک موجود در نزدیکی ریشه ی گیاهان را به عنوان نمونه ی اولیه برداشت می کنیم. سپس لوله ی آزمایش را استریل کرده و به ترتیب در آن آب مقطر استریل شده می ریزیم و خاک در لوله ای حل می کنیم. سپس به مقدار ۱ سی سی از لوله ی اول به لوله ی دوم اضافه می کنیم و همین کار را تا لوله ی آخر ادامه می دهیم تا حجم و غلظت یکسانی از محلول آب و خاک را داشته

باشیم (*روش پور پلیت: در این روش، ابتدا رقت های سریالی از نمونه آماده می شوند. سپس این رقت ها در پلیت هایی که حاوی آگار ذوب شده و خنک شده (۴۵-۴۲ درجه سانتی گراد) است تلقیح می شوند و با چرخش پلیت نمونه و آگار مخلوط خواهند شد. پس از جامد شدن آگار، پلیت ها درون انکوباتور قرار گرفته و در نهایت ظروف برای مشاهده ی کلنی های جداگانه بررسی خواهند شد. این کلنی های خالص که از نظر اندازه، شکل و رنگ متفاوت هستند ممکن است برای تهیه کشت های خالص به ظروف دیگری منتقل شوند).

نوترین آگار مذاب را به پلیت های استریل و خالی اضافه می کنیم و سپس کمی برای مخلوط شدن تکان می دهیم و به صورت ثابت در "انکوباتور" قرار می دهیم تا محیط کشت به صورت جامد درآید و باکتری ها رشد کنند. سپس مقداری از ۲ نوع باکتری را به صورت جدا از هم درون نوتریل آگار پخش کرده و درون انکوباتور قرار دادیم. در ادامه مقداری از هر کدام از باکتری ها (تقریبا یک کلونی) را درون آب مقطر استریل شده که به اندازه ۵ سی سی موجود بود محلول کردیم و ۲ نوع پلاستیک با جرم های مساوی را درون ۴ لوله ی موجود قرار دادیم تا تاثیر باکتری ها را بر بافت اصلی آنها مشاهده کنیم. در ادامه آزمایش بار دیگر از نوترین برات استفاده کردیم و باکتری ها را درون آن حل کرده و مانند مرحله ی قبل، پلاستیک ها را درون آن قرار دادیم. در ادامه پس از گذشت ۱۴ روز از قرارگیری نمونه ها بافت آنها را به وسیله میکروسکوپ با بافت اولیه پلاستیک ها مقایسه کردیم.

گزارش کار به صورت لیست خلاصه:

A: بخش اول (خالص سازی):

۱- رقت سریالی: جمع آوی خاک و آماده کردن ۵ لوله آزمایش حاوی آب مقطر اسریل و خاک و سپس ساخت ۵ پلیت اتوکلاو شده و کشت دادن باکتری خاک محلول با کمک محیط کشت نوترینت آگار.

۲- رنگ آمیزی گرم نمونه باکتری از یک نوع کولونی ۵ پلیت.

B: بخش دوم (جداسازی) - از روش پور پلیت:

۱- پس از رشد و تکثیر و افزایش باکتری های خاک این ۵ پلیت، از دو نوع متفاوت کلونی های رشد کرده روی دو پلیت جداگانه و اصلی باکتری ها را کشت می دهیم (کشت ۴ بخشی= چرخش زاویه نود درجه و ساعتگرد).

۲- قرار دادن دو پلیت کشت شده اصلی در دستگاه انکوباتور.

۳- پس از رشد و تکثیر و افزایش باکتری های کشت داده شده یک کلونی از هر کدام برداشته و داخل ۵ میلی لیتر آب مقطر استریل حل کرده و پلاستیک را داخلش می اندازیم. از هر کدام از پلیت ها (دو نوع کلونی) ۲ تا لوله آزمایش با دو نوع پلاستیک درست می کنیم (پلاستیک فریزر و پت).

۴- بعد داخل هر کدام از دو لوله نوع «A» از یک نوع پلاستیک ریخته و سپس برای آلوده نشدن درپوش آلومینیوم می گذاریم و برای جفت لوله نوع بعدی هم همین کار را تکرار می کنیم.

۵- سپس دقیقا همین مراحل را با مایع نوترینت برات انجام می دهیم تا تاثیر هر دو مایع را ببینیم.

۶- و این ها را یکجا ثابت گذاشته و بعد از گذشت مدتی و بررسی روزانه متوجه کمی تغییر بسیار ریز و کم شدیم و برای شناسایی تغییرات تک تک پلاستیک های داخل باکتری محلول را با میکروسکوپ نگاه کردیم.

نتیجه گیری و پیشنهادات

با توجه به یافته های پروژه و آزمایشات دریافتیم که باکتری های خاک مثل باسیلوس سرئوس و باسیلوس سوبتیلیس و باسیلوس مگاتریوم

می توانند در تخریب بافتی پلاستیک ها نقش داشته باشد.

بر اساس شکل کلونی: کلونی چروکیده دارد و معمولا باسیلوس ها همچین کلونی هایی دارند و دوم اینکه با انجام رنگ آمیزی گرم متوجه شدیم که باسیل های گرم مثبت داریم و برای تمایزش از سایر باسیلوس های گرم مثبت تست کاتالاز و تست استارچ آگار (استارچ به معنی نشاسته است) برای اینکه ببینیم باکتری ما نشاسته رو تجزیه می کند یا خیر. و این تستی است که اغلب برای باسیل ها هست. با اینکه تست های دیگری هم برای باسیلوس ها هست اما ما بر اساس امکانات آزمایشگاهمان انجام می دهیم. باسیلوس مگاتریوم یا باسیلوس سرئوس یا باسیلوس سوبتیلیس می تواند باشد؛ و این نیاز دارد تا تست های بیوشیمیایی برایش انجام بشود که در حال انجامش هستیم. ما می خواهیم گونه ای را انتخاب کنیم که بتواند پلاستیک را تا حد ممکن متلاشی کند؛ شاید نتواند تجزیه کامل انجام دهد اما همین که بتواند بافتش را یه حالت توری مانند بکند کافی است.

پس می توان به جای صرف هزینه های کلان زیست محیطی و اقتصادی از این باکتری ها برای تجزیه و تخریب پلاستیک های موجود در طبیعت استفاده کرد که صرف هزینه های مالی و صنعتی کمتری را به دنبال دارد.

فعالیت های واحد آموزش دوره اول و دوم متوسطه فرزنانگان ۴

- برگزاری شورای مدرسه و شورای دبیران در بهمن و اسفند ماه
- برگزاری جلسه مجمع عمومی اولیاء با حضور جناب آقای مهندس غمخواری



- برگزاری جلسه تخصصی کیفیت بخشی فعالیت های آموزشی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان با حضور سرگروه های آموزشی با مدیران متوسطه ۲ مدارس منطقه ۱۳ در بهمن ماه
- تجزیه و تحلیل نمرات مستمر و پایانی نیمسال اول در بهمن ماه
- برگزاری آزمون شبه پایش سنجش عملکرد یادگیری
- برگزاری اولین مرحله پایش عملکرد یادگیری مدارس استعداد های درخشان



- برگزاری کلاس های حل تمرین جهت کاهش افت تحصیلی دانش آموزان
- ارائه کارنامه نیمسال اول همراه با مشاوره فردی با دانش آموزان و اولیاء در بهمن ماه
- تنظیم تقویم آزمون های نیمسال دوم
- برگزاری کلاس های مجازی به صورت آنلاین
- کارگاه های هدایت تحصیلی با حضور دکتر کشاورزی زاده
- برگزاری مرحله اول طرح مدام



- جمع آوری آثار دانش آموزان برای جشنواره های سفیران سلامت و نوجوان سالم
- انجام آزمایش های مرتبط با دروس



- پیگیری ثبت نام جشنواره های دانش آموزی (شامل لیگ علمی پایا - جشنواره نوجوان خوارزمی - جشنواره ریاضی مهرگان - جشنواره ملی فردوسی)

فعالیت های واحد فرهنگی دوره اول و دوم متوسطه

- برگزاری برنامه عبادی اعتکاف عهد ویژه سمپاد



- برگزاری اردوی برون استانی مشهد ویژه پایه نهم در بهمن



- برگزاری جشن مبعث و اعیاد شعبانیه
- برپایی موکب سه شنبه مهدوی و نیمه شعبان در بهمن ماه
- انجام فعالیت های بزرگداشت ایام الله دهه فجر
- برگزاری جشن مبعث رسول الله (ع)
- برگزاری کارسوق همتراز با حضور جناب آقای دکتر عزیزی در راستای همتراز بودن با امام زمان (عج) و انقلاب برگز
- حضور در محفل دخترانه سمپادی های تهران و اردوی اتاق فرار در متوسطه اول



- برگزاری اردوهای راهیان پیشرفت و بازدید از کارخانه صنایع خلاق البرز
- شرکت دانش آموزان در چهل و سومین جشنواره فرهنگی هنری فردا
- حضور در مسابقات قرآن و عترت منطقه ۱۳
- برگزاری اردوی برون استانی یزد در متوسطه دوم در اسفند
- حضور در محفل دخترانه سمپادی های تهران
- گرامیداشت ایام ماه مبارک رمضان

فعالیت های واحد پژوهش

- برگزاری اردوهای علمی پژوهشی رویان (کارگاه هماتولوژی و آشنایی با حیوانات آزمایشگاهی) برای دانش آموزان متوسطه اول



- شرکت دانش آموزان در کارسوق لیزر و فوتونیک
- تشکیل گروه فعالان سیزدهمین کارگاه علوم

فعالیت های واحد فناوری

- برگزاری دومین همایش سواد رسانه و خانواده (تعامل در دنیای دیجیتال)
- پشتیبانی از سخت افزار و نرم افزارها
- برگزاری رویداد هوش مصنوعی (ویژه دانش آموزان)



- تمديد اشتراك زیر ساخت های کلاس آنلاین
- انتقال نمرات از سیدا به مدبر و صدور کارنامه نیمسال اول
- تعریف و صدور کارنامه نیمسال اول
- تهیه نمودارهای مقایسه ای نیمسال اول
- پشتیبانی از برگزاری جلسات و وبینارها
- شرکت در همایش مدرسه هزاره سوم (هوش مصنوعی)

به نام خدا

دوستان خوبم! احتمالا شما در کارهای مختلف هنری، دستی بر آتش دارید و از آن به قصد لذت، اقتصاد و یا خیریه و هدیه استفاده می‌کنید، آیا از تاثیر آن روی روان و ذهنتان خبر دارید؟ یکی از بارزترین فواید هنر، توانایی آن در کاهش استرس و اضطراب است. غرق شدن در فعالیت‌های هنری مانند نقاشی، مجسمه‌سازی یا نواختن موسیقی، می‌تواند ذهن را از افکار منفی دور کرده و به آرامش و تمرکز بیشتر کمک کند. همچنین، هنر می‌تواند راهی برای تخلیه تنش‌های درونی و عاطفی باشد که در اثر استرس و اضطراب به وجود می‌آیند.

همه ما علاقه مندیم که تاریخچه زندگی پیشینیان خودمان را بدانیم؛ مانند آثار تاریخی که از آنها به یادگار مانده، کتاب‌ها و دست‌نوشته‌ها و یا بناهای تاریخی. دوست داریم که لحظات تلخ و شیرین رخ دادن این اتفاقات و یا خلق این آثار هنری و بناها را بدانیم و از رنج‌ها و شادی‌های آنها مطلع شویم. برای ما نیز به همین شکل است، ما گاهی با خلق آثار هنری شرایط این روزهای بشر را برای آیندگان به تصویر می‌کشیم.

هنر درمانی چیست؟ و نقش موثر آن بر سلامت روان چگونه است؟

هنر درمانی یک روش درمانی است که از خلاقیت

و بیان هنری برای بهبود سلامت روان استفاده می‌کند. این روش بر این اصل تمرکز دارد که فرآیند خلاقیت و خلق آثار هنری، تاثیر قابل توجهی بر روان و روح انسان دارد. هنر درمانی می‌تواند در ترکیب با سایر روش‌های درمانی مورد استفاده قرار گیرد و در سطوح مختلف سلامت روان تاثیر مثبتی داشته باشد.



نقاشی زن گریان توسط پابلو پیکاسو - قرن ۲۰



نقاشی باستانی در غارها



طرح روی ظروف باستانی یونان



هنر قرون وسطی



دیوار نگاره موزاییکی قرون وسطی

تاریخچه هنر درمانی

۱. دوران باستان: در دوران باستان، از هنر و موسیقی به عنوان روش‌های درمانی استفاده می‌شد. برخی از باستان‌شناسان معتقدند که از هنر و موسیقی به عنوان درمان در دوران هیپوکراتس (پزشک بزرگ یونانی) استفاده می‌شد.

۲. قرون وسطی: در قرون وسطی، هنر به عنوان یک راه درمانی مورد توجه قرار گرفت. به طور خاص، در مراکز درمانی مذهبی هنر به عنوان یک راه درمانی استفاده می‌شد و طرح‌های هنری بر روی دیوارها و آثار نقاشی درمانی برای افراد بیمار تهیه می‌شد.

۳. قرن ۱۸ و ۱۹: در این دوره، هنر درمانی به عنوان یک روش درمانی رسمی توسط پزشکان و روانپزشکان شناخته شد. مفهوم هنر درمانی به طور جدی توسط پیوند هنر و تاثیر آن بر روان و روح انسان مورد بررسی قرار گرفت.

۴. قرن ۲۰: در این قرن، هنر درمانی به عنوان یک رشته مستقل شناخته شد و به تدریج در مراکز درمانی بیمارستان‌ها مورد استفاده قرار گرفت.

در این دوره، تکنیک‌ها و روش‌های مختلف هنر درمانی توسعه یافت و تحقیقات بیشتری در این زمینه انجام شد. امروزه، هنر درمانی به عنوان یک روش درمانی رسمی در بسیاری از کشورها تایید شده است و در مراکز درمانی، بیمارستان‌ها، آموزشگاه‌ها و مراکز بهبود روانی به کار گرفته می‌شود.

هنر درمانی چگونه به بهبود بیماران کمک می‌کند؟

۱. ارتقای روحیه و افزایش انگیزه

۲. کاهش استرس و اضطراب

۳. بهبود تمرکز



جهت مشاهده کامل گزارش qr code را اسکن نمایید.



مصاحبه با سرکار خانم **نسرین رضوانی فر** معاون فناوری مجتمع فرزنانگان ۴

مجتمع آموزشی فرزنانگان ۴، بر اساس مدل تربیتی سمپاد، اقدام به برنامه‌ریزی لازم، جهت تحقق شعار چشم‌اندازی خود در جهت طراحی و اجرای برنامه‌های متناظر و متناسب با مهم‌ترین شایستگی‌های فارغ‌التحصیل نمود.

سرکار خانم نسرین رضوانی فر، مجری رویداد دانش آموزی هوش مصنوعی با موضوع ابزارهای کاربردی هوش مصنوعی در پژوهش هستند. در بهمن ماه ۱۴۰۳، این رویداد در حوزه پژوهش و ۱۳ گرایش علمی مختلف با حضور ۵۰۰ دانش آموز در مجتمع آموزشی فرزنانگان ۴ برگزار شد.

هدف این رویداد، تقویت دانش و ارتقا مهارت پژوهش، افزایش سطح دانش‌های مرتبط با فناوری نوین، تصمیم‌گیری و حل مساله، سواد رسانه، ارتقا دانش معطوف به کاربرد و آشنایی با مهارت‌های حرفه‌ای و اقتصادی دانش‌آموزان سمپادی بود.

- سلام. از خودتون برامون بگید.

+ سلام. من ۷ سال هست که در مجموعه فرزنانگان ۴ با سمت معاون فناوری آموزشی مشغول به فعالیت هستم. رشته تحصیلی من در مقطع لیسانس، کارشناسی نرم افزار و در مقطع ارشد، مدیریت برنامه ریزی سیستم‌های آموزشی است.

- چپش که تصمیم به برگزاری رویداد هوش مصنوعی در فرزنانگان ۴ گرفتید ؟

+ در فرزنانگان ۴ همواره تلاش بر این بوده که با کمک تکنولوژی‌های نوین به روند آموزشی دانش‌آموزان کمک کنیم. در حقیقت معتقدیم تکنولوژی باید در خدمت آموزش باشد. با توجه به گسترش مباحث مربوط به ai و رشد تکنولوژی و پتانسیل دختران عزیزمان تصمیم گرفتیم یک رویداد عمومی با هدف آشنایی کلی دانش‌آموزان با هوش مصنوعی و ابزارهای کاربردی برگزار کنیم. البته گام اولیه‌ی این رویداد در سال گذشته برگزار شد و دانش‌آموزان آشنایی نسبی با مفاهیم ذکر شده پیدا کردند.

۴. بهبود ارتباطات و افزایش اعتماد به نفس
۵. تسهیل بیان و ترجمه احساسات: هنر

آیا هنردرمانی تنها مختص بیماران است؟

هنر درمانی می‌تواند برای هر شخصی مفید باشد و تنها مختص بیماران نیست. اصلی‌ترین هدف هنر درمانی کمک به بهبود روحی و جسمی افراد است.

این روش درمانی می‌تواند در موارد زیر نیز مورد استفاده قرار گیرد:

۱. بیماران با بیماری‌های مزمن: هنر درمانی برای بیماران که به بیماری‌های مزمن مانند سرطان، ایدز، مالتیپل اسکلروزیس و غیره مبتلا هستند، مفید است. این روش به آنها کمک می‌کند تا با استرس و اضطراب بیماری مقابله کنند و کیفیت زندگی خود را بهبود بخشند.
۲. افراد دارای مشکلات روانی: هنر درمانی می‌تواند برای افرادی که با مشکلات روانی مانند افسردگی، اضطراب، اختلالات خوردن، اعتیاد و غیره روبرو هستند، مفید باشد. فعالیت‌های هنری به آنها کمک می‌کند تا احساسات خود را بیان کنند و راهکارهای خلاقانه برای مدیریت و بهبود وضعیت روانی خود پیدا نمایند.

۳. افراد معتاد: هنر درمانی برای افراد معتاد به مواد مخدر یا الکل می‌تواند به عنوان یک روش تکمیلی درمانی موثر باشد. این فعالیت‌ها به آنها کمک می‌کنند تا از خود در یافتن وسیله‌ای سازنده برای برطرف کردن نیازهای روحی خود استفاده کرده و بهبود یابند.

۴. افراد سالمند: هنر درمانی برای افراد سالمند نیز می‌تواند مفید باشد. این روش به آنها کمک می‌کند تا به یک فعالیت مفید مشغول شوند و از احساس تنهایی و افزایش کیفیت زندگی خود لذت ببرند. بنابراین، هنر درمانی برای هر شخصی که بهبود روحی و جسمی خود را جستجو می‌کند و با استفاده از روش‌های خلاقانه می‌خواهد پیشرفت کند، می‌تواند تاثیرگذار باشد.

تحقیق و متن:
کوثر شهریاف



- این رویداد به چه صورت برگزار میشه و شامل چه رشته هایی هست؟

+ اولین مرحله ی رویداد در اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ برگزار شد که هدفش آشنایی عملی با ابزارهای عمومی هوش مصنوعی در زمینه چت بات ها و تولید محتوا بود. در پایان رویداد دانش آموزان پروژه های خود را ارائه نمودند. نظر به استقبال بالا و عملکرد خوب دانش آموزان تصمیم گرفتیم رویداد را به صورت تخصصی تر در سال جاری برگزار نماییم. با عنایت به پژوهش محور بودن دانش آموزان سمپاد و در جهت پیشبرد پروژه های پژوهشی دانش آموزان تصمیم گرفتیم ابزارهای کاربردی در حوزه پژوهشی هر دانش آموز را به صورت عملی ارائه و آموزش دهیم. در مدرسه ی ما ۱۳ رشته پژوهشی از ابتدای سال شکل گرفته است که هر دانش آموز با توجه به علاقه و استعداد خود در یکی از این رشته در کلاس شرکت کرده و پروژه تعریف و اجرا می کنند. در رویداد ai، به کمک ۱۴ منتور، ابزارهایی که به دانش آموز در انجام پروژه کمک کننده بود را آموزش دادیم. این ابزارها با توجه به رشته، پروژه دانش آموزان و نظر دبیر پژوهشی انتخاب و آموزش داده شد.

- بنظرتون چقدر مهم هست که دانش آموزان در مدارس درباره هوش مصنوعی و نحوه استفاده ازش یاد بگیرن؟

+ با توجه به هوشمند بودن فرزنانگان ۴ همواره تلاش کرده ایم از تکنولوژی در جای صحیح و در جهت تسهیل و تسریع فرآیند آموزشی، پژوهشی و اجرایی استفاده نماییم. ما در موضوع ai به مثل دانش آموز و خانواده و به طور همزمان توجه نموده ایم. در سال جاری علاوه بر برگزاری رویداد دانش آموزی، کارگاه دانش افزایی با موضوع ابزارهای کاربردی هوش مصنوعی در آموزش و همچنین کارگاه های سواد رسانه با محوریت تعامل در فضای رسانه و رژیم مصرف رسانه با تکیه بر ابزارهای هوش مصنوعی ویژه اولیا محترم، برگزار شد.

- بازخورد و علاقه دانش آموزان به این مبحث رو چطور می بینید ؟

+ در حقیقت بازخورد مثبت دانش آموزان در سال گذشته، انگیزه ی اصلی برای ادامه راه و برگزاری رویداد به صورت تخصصی تر در سال جاری بود. نیازهای دانش آموزان به عنوان رکن اصلی در اتخاذ تصمیم گیری مربوط به کارگاه ها و رویدادها هستند. و ما بسیار مشتاق هستیم که همچنان پذیرای نظرات ارزشمند دخترانمان باشیم.

- بچه ها توی مقاله نویسی و کدنویسی و ... برای تکالیف مدرسه هم از هوش مصنوعی کمک میگیرن؟

+ در دو رویداد برگزار شده آموزش کار با چت بات ها و معرفی ابزارهای مقاله نویسی ارائه شد. همچنین ابزارهای شبیه ساز مثل شبیه سازهای آزمایشگاهی، کدنویسی و... به صورت عملی آموزش داده شدند.

- در مدرسه برای استفاده و آموزش هوش مصنوعی، هزینه خرید اشتراک هم پرداخت می کنید؟

+ در حال حاضر خیر. اما در حال بررسی برای ایجاد فضایی مناسب جهت استفاده دانش آموزان از چت بات ها و ابزارهای مناسب هستیم.

- با توجه به گسترش هوش مصنوعی بنظرتون مشاغلی هست که در آینده نزدیک از بین بره؟ با توجه به این، بنظرتون بهتره دانش آموزان چه رشته هایی رو انتخاب نکنن؟

+ این سوال بسیار جالب هست؛ و اتفاقا در رویداد عمومی سال گذشته توسط دانش آموزان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. بر این باور هستیم که ممکن است شکل بعضی مشاغل تغییر کند یا مشاغل جدید به ازای بعضی مشاغل سنتی ایجاد شود. دنیا همواره در حال تغییر است و انسان باسواد با تعریف یونسکو انسانی است که بتواند خود را با تغییرات سازگار کند.

- سخن نهایی؟

+ ما در کارگاه دبیران و خانواده ابزارهای حل مسائل دروس مختلف را معرفی کردیم و با اعتراض به هوش مصنوعی رو به رو شدیم در حالی که هنگامی که این ابزار را به دانش آموزان معرفی کردیم چندین دقیقه در سالن هوش مصنوعی مورد تشویق قرار گرفت . امیدوارم همه بتوانند در آینده نزدیک، یه خوبی با تغییرات تکنولوژی هماهنگ بشوند و باعث پیشرفت خودشان و کشورمان شوند.



برگزاری کارسوق هدایت تحصیلی

انتخاب پویا ویژه دانش آموزان پایه نهم



سرعت تغییرات و تکثر انتخاب ها در زندگی معاصر، مشاغل نوظهور و تغییر کارکردی و نحوه ی انجام وظایف در بازار کار امروز واقعیتی است غیر قابل چشم پوشی. مشاغلی که حذف شده اند یا مشاغلی که در آینده متولد خواهند شد. نگرانی مسئولین مدرسه نسبت به انتخاب صحیح دانش آموزان در زمان انتخاب رشته ها و مشاغل خود و همچنین بازخوردهای متعدد از فارغ التحصیلان مجموعه، که یکی از وظایف اصلی مدرسه را آموزش و کمک به شناخت استعدادهای خود و همچنین ارائه ی اطلاعاتی در حوزه ی شناخت هرچه بیشتر مشاغل و فضای کاری آنها می دانند، از طرفی نگرانی های فزاینده ی آنها بعد از فارغ التحصیلی از دانشگاه و در زمان تصدی شغل، ما را بر آن داشت تا با طراحی کارسوق انتخاب رشته سعی در انجام این وظایف داشته باشیم.

از جمله اهداف انجام کارسوق "انتخاب رشته" می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- شناخت مشاغل و کارکرد واقعی آنها در پروژه ها
- تفاوت در دیدگاه افراد با توجه به شغل و مسئولیت اتخاذ شده شان
- تکمیل لیست مشاغل درگیر در یک پروژه از گام طرح ریزی تا فازهای اجرایی
- مقایسه ی تصویر ذهنی خود نسبت به یک شغل و عملکرد و جایگاه واقعی آن در پروژه های گوناگون
- شناخت نسبت به علایق و توانایی خود
- فرصت گفتگو با کارشناسان مختلف در حوزه های

واحد فرهنگی متوسطه دوم

کسب رتبه های برتر مسابقات قرآن و عترت منطقه ۱۳ تهران و راهیابی به مرحله استانی

انوشه واشقانی فراهانی (پایه یازدهم) رتبه اول رشته حفظ کل قرآن
پرنیان اشرف نژاد (پایه دهم) رتبه اول رشته حفظ جزء ۵
زینب سعیدی (پایه یازدهم) رتبه اول رشته حفظ جزء ۵
فاطمه پهلوانی (پایه یازدهم) رتبه اول رشته نهج البلاغه
دینا هوشیاری (پایه دهم) رتبه اول رشته صحیفه سجاده
ریحانه راستگو (پایه یازدهم) رتبه اول رشته احکام
مبینا صنوبری (پایه یازدهم) رتبه اول رشته انشای نماز
مهدیه پازوکی (پایه دهم) رتبه دوم رشته گفتمان مهدوی
منصوره یوسف نیا (پایه دوازدهم) رتبه دوم رشته صحیفه سجاده
نرگس سعادت نیا (پایه دوازدهم) رتبه سوم رشته انشای نماز
فاطمه قربانی (پایه یازدهم) رتبه سوم رشته تفسیر قرآن
مبینا حسین زاده (پایه دهم) رتبه سوم رشته احکام

واحد فرهنگی متوسطه اول

کسب رتبه های برتر مسابقات قرآن و عترت منطقه ۱۳ تهران و راهیابی به مرحله استانی

فاطمه زمانی (پایه هفتم) رتبه اول رشته حفظ جزء ۳۰
حلم سلطان (پایه هفتم) رتبه اول رشته تفسیر
نور الزهرا پرویزی (پایه هفتم) رتبه اول رشته دعاخوانی
ریحانه حلوانی (پایه هفتم) رتبه دوم رشته گفتمان مهدوی
زینب مسلمی (پایه هفتم) رتبه سوم نهج البلاغه
نرگس حسین آقایی (پایه هشتم) رتبه اول رشته حفظ جزء ۳۰
زهرا نوری (پایه هشتم) رتبه اول رشته صحیفه سجاده
دلینا دلفانی (پایه هشتم) رتبه اول رشته تفسیر
دینا حسین پور (پایه هشتم) رتبه اول رشته احکام
زینب حیدری (پایه هشتم) رتبه اول رشته انشای نماز
آرینا رجبی (پایه هشتم) رتبه اول رشته دعاخوانی
درسا حسینی فر (پایه هشتم) رتبه دوم رشته نهج البلاغه
نازنین سادات موسوی (پایه هشتم) رتبه سوم رشته قرائت
یکتا شهرابی (پایه نهم) رتبه اول رشته حفظ ۱۰ جزء
ریحانه صالح آبادی (پایه نهم) رتبه اول رشته انشای نماز
محدثه سعیدی (پایه نهم) رتبه دوم رشته حفظ جزء ۳۰
زهرا نیک اندیش (پایه نهم) رتبه دوم رشته صحیفه سجاده
پریا نیکویی پور (پایه نهم) رتبه سوم رشته نهج البلاغه

با آرزوی موفقیت روزافزون و درخشش عزیزان فرزنانگان ۴

مختلف
● شناخت کارکردهای فرعی هر شغل در بازار کار (مشاغل کمتر دیده شده و ...)
● کشف تعارضهای موجود در یک پروژه و سعی در کشف راه حل های کاربردی با کمک کارشناسان هر حوزه
● ایجاد شک یا اعتبار بخشی نسبت به اطلاعات و شناخت اولیه ی خود نسبت به مشاغل و تکمیل این شناخت در فرآیند کارسوق
● تکمیل لیست مشاغل درگیر در یک پروژه از گام طرح ریزی تا فازهای اجرایی
● ایجاد فرصتی برای تبادل نظر و گفتگو در مورد یافته های خود در غالب های الف) ارائه ی دست آوردها به دیگر دانش آموزان و بحث تبادل نظر و راستی آزمایی اطلاعات؛ ب) بهره گیری از فارغ التحصیلان مجموعه و استفاده از تجارب مثبت و منفی آنان با هدف هرچه عمیق تر شدن اطلاعات کسب شده.

نظریه فرانک پارسونز یکی در مورد مراحل انتخاب آگاهانه :
او با تاکید بر سه ضرورت لازم برای هدایت تحصیلی می گوید: "در ابتدا افراد باید به درک روشنی از خود برسند. استعدادها و توانایی خود را با توجه به محدودیت ها و منابع موجود در محل سکونتشان بشناسند . در درجه دوم باید اطلاعات و شرایط مورد نیاز از حرفه انتخاب شده و سایر حرفه ها را در اختیار دانش آموزان قرار داد. در درجه سوم نیز باید به فرصتهای حرفه انتخاب شده و مزایای آن پرداخت."



مهر بهاری

بهار مانند گل ها مثل باران
چون پرستویی مهربان است
بهار بخشش زندگی به درختان
چون مادری مهربان است
بهار شکوفه های زندگانی
چون درختی پایدار است
بهار فصل محبت
ز سوی پروردگار است
بهار نغمه ی خورشید
در کنار جویبار است

دبیرستان فرزانگان ۴

نشانی: تهران . خیابان تهران نو . خیابان خاقانی . کوی زینبیه
تلفن: ۷۷۱۷۱۳۱۳ - ۷۷۱۷۱۱۲۲ - ۷۷۱۷۰۲۲۳

وبسایت: www.farzanegane4.ir
ایمیل فرزانگان ۴: farzanegan4.sampad@gmail.com
ایمیل نشریه فرزانگان ۴: miankhat.frz4@gmail.com
فکس: ۷۷۱۷۱۳۱۴

یگانه برادران توحیدی
پایه هفتم